



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامدر جمع کارکنان سازمان صدا و سیما - 28 / اردیبهشت / 1383

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزارم که این توفیق را به من داد تا بار دیگر در جمع کارکنان محترم و عزیز صدا و سیما حاضر شوم و مجموعه ی دوستان فعال در این بخش فرهنگی و سیاسی بسیار مهم را از نزدیک زیارت کنم. از این بازدید امروزه بنده راضی هستم؛ هم بعضی از بخشها را از نزدیک بازدید کردیم، هم با مدیران ارشد مجموعه دیدار کردیم؛ هم در این ساعت با مجموعه ی برادران و خواهران عزیزی که این جا تشریف دارید، این ملاقات دست داده که من خوشحالم. این جا یک مجموعه ی فرهنگی است و شاید بشود گفت اثرگذارترین مجموعه ی فرهنگی در کشور، این رسانه ی ملی و عمومی است.

فرهنگ مایه ی اصلی هویت ملتهاست. فرهنگ یک ملت است که می تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفتهایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته یی در مجموعه ی بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند. من به حوادث دوران استعمار که نگاه می کردم

- دوران استعمار تقریباً از اواخر قرن هجدهم میلادی شروع شد، در قرن نوزدهم به اوج رسید و تا اواسط قرن بیستم هم ادامه پیدا کرد. حرکت استعمار یعنی حضور قدرتهای مسلط نظامی و سیاسی دنیا در کشورهایی که می توانستند با استفاده از زور در آنها حضور پیدا کنند و منافع خودشان را از آن جاها تأمین کنند و در واقع از موجودی مادی و معنوی آن کشور سرمایه یی برای خودشان بسازند، همان چیزی که آنها اسمش را استعمار گذاشتند و امروز هم اطلاق می شود - می دیدم هر جا که اینها وارد شده اند، اگر این توانایی را پیدا کرده اند که فرهنگ آن ملت را مضمحل کنند و تحت تأثیر قرار دهند و تضعیف کنند، پایه های قدرتشان در آن جا مستحکم شده و اگر در جایی فرهنگ ملی و بومی به خاطر کهنسال بودن، ریشه دار بودن و برجسته بودن مضمحل نشده و از بین نرفته،

استعمارگرها و اشغالگرها نتوانسته اند مدت زیادی از آن جا منافع خودشان را تأمین کنند و ناچار شدند که آن منطقه را رها کنند. این در مورد همه ی جهانگشاییها و کشورگشاییهای دورانی گذشته ی تاریخ هم - که ما در تاریخ می خوانیم - صادق است. آن کشورگشاییها نتوانسته اند در سرزمینهای گشوده شده یی با شمشیر، با زور پایدار بمانند و مقاصد و سلطه ی خودشان را در آن سرزمینها اعمال کنند، که نتوانسته باشند فرهنگ آن کشور را در مشت و در اختیار بگیرند. حالا گاهی یک فرهنگ را ریشه کن می کنند؛ مثل این که زبان یک کشور را بکل از بین می برند.

شما الان ملاحظه کنید که آفریقا، امریکای لاتین و بسیاری از کشورها، زبان بومی اصلاً ندارند. پرتغالی ها و اسپانیول ها آن جا آمدند و زبانها را عوض کردند؛ زبانهای بومی و بسیاری از نشانه های فرهنگ را از بین بردند؛ البته یک جاهایی هم نتوانستند. فرهنگ ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - که انقلابی براساس یک هدف تعریف شده ی فرهنگی بود - که به مقوله ی فرهنگ اهمیت داده شد و به مقوله ی هویت ملی - که خود هویت ملی یک کشور، فرهنگ است و خود این جزو مصادیق و سطور برجسته ی فرهنگ یک ملت است - اهتمام ورزیده شد، برکاتی بر این کار مترتب شد که این برکات به هیچوجه ممکن نبود در این کشور به وجود بیاید. این نوآوریها، این پیشرفتهای علمی، این جسارت وارد شدن در عرصه های نو علمی و تحقیقی - که امروز در کشور ما خوشبختانه مشاهده می شود - به خاطر همین اعتماد به نفسی است که از احیاء هویت ملی پیدا شده است؛ این را انقلاب به وجود آورد. قبل از انقلاب از هویت ملی و ملیت اسم زیاد می آوردند؛ اما به هیچوجه به معنای حقیقی کلمه، هویت ملی را تقویت نمی کردند. البته علت هم واضح بود؛ چون آن کسانی که ایران را برای منافع خودشان می خواستند و در کشور عزیز ما منافع خود را تعریف کرده



بودند، می دانستند که اگر هویت ملی در این کشور زنده شود، با منافع آنها ناسازگار خواهد بود و آنها نمی توانند به منافعی که هدف گرفته اند، برسند. به همین دلیل، هویت ملی در آن زمان در این جا تضعیف شد. ما در کشور خودمان در وابستگی و اضمحلال هویت در مقابل بیگانگان تا آن جا پیش رفتیم که افراد برجسته بی خجالت نکشیدند و پیشنهاد تغییر زبان و خط فارسی را دادند! البته روی تغییر زبان کمتر کار کردند؛ اما برای تغییر خط فارسی - خط یک کشور یکی از نقاط برجسته و از شاخصهای مهم فرهنگی هر کشور است - در همین روزنامه ها و مطبوعات دوره ی طاغوت در کشور ما علناً و صریحاً مطلب نوشتند، دفاع کردند و حرف زدند که ما خط فارسی را تغییر بدهیم؛ آن هم با استدلالهای کاملاً مجادله آمیز و مغالطه آمیز و خلاف واقع. آنها تا این حد پیش رفتند. کسانی که رژیم پهلوی را روی کار آوردند، هیچ کدام از شاخصه های ملیت را حاضر نبودند تحمل کنند. البته ملیت ما از اول با اسلام آمیخته بود؛ زبانمان، آدابمان، دانشمان و دانشمندانمان با اسلام آمیخته بودند. در تاریخ می بینید که دانشمندان برجسته و نام آور و ماندگار ما کسانی هستند که دانش دین را در کنار دانشهای معمولی زندگی دارا بودند؛ یعنی همه ی دانشها از مجموعه ی دین برآمده است. البته این به آن معنا نیست که طلاب مدرسه ی دینی این خصوصیت را داشتند؛ نه، جامعه، جامعه ی دینی بود. فرهنگ ما، دانش ما، رفتار ما و سنتهای ما با دین آمیخته است و بسیاری از آنها از دین سرچشمه گرفته است. وقتی با هویت ملی و شاخصه های آن مبارزه می کردند، قهراً مبارزه ی با دین جزوش بود و چون دین و ایمان پشتوانه ی همه ی ارزشهای انسانی است، طبعاً با ایمان هم بشدت مخالفت می کردند. اینها حاضر نشدند قبول کنند که ما حتی لباس محلی داشته باشیم. ما ایرانی ها با چند هزار سال سابقه، لباس بومی نداریم و لباس محلی و بومی مان را نمی شناسیم، در حالی که خیلی از کشورهای دیگر دنیا دارند. البته لباس بومی، مانع پیشرفت هم نیست؛ اما ما نداریم؛ چون آنها نگذاشتند. این، عمل به همان توصیه یی است که می گفت ایرانی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شود! ببینید خودباختگی تا کجا. این که من همیشه می گویم تهاجم فرهنگی، تهاجم فرهنگی این است.

تهاجم فرهنگی غیر از تبادل فرهنگی است؛ غیر از گرفتن برجستگیها و زبده گزینی از فرهنگهای دیگر است؛ این، چیزی است مباح، بلکه واجب. اسلام به ما دستور می دهد، عقل هم به طور مستقل از ما می خواهد که هر چیز خوب، زیبا و باارزشی را که در هر کجا می بینیم، آن را فرا بگیریم و از آن استفاده کنیم. این جملات معروف متداول در زبانهای مردم ما که «اطلبوا العلم ولو بالصین» یا «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال»؛ نگاه نکن حرف خوب، سخن حکمت آمیز، دانش و معرفت را چه کسی دارد می گوید، اگر سخن خوب است، آن را فرا بگیر، این گرفتن گرفتن فرهنگی است و اخذ فرهنگی، تبادل فرهنگی و زبده گزینی فرهنگی، یک چیز لازم است و این، غیر از تهاجم فرهنگی است. من بارها گفته ام که یک وقت هست که یک انسان با میل خود و بر طبق نیاز و اشتها و ضرورت زندگی اش یک نوع غذا، یک نوع دارو یا ماده ی لازمی را انتخاب می کند و آن را داخل جسم خودش می کند؛ این، گزینش است، که چیز خیلی خوبی است؛ اما یک وقت هست که یک نفر را می خوابانند و ماده ای را که نه برای او لازم است و نه او به آن میل و اشتهایی دارد و نه برایش مفید است، به زور در حلقش می ریزند، یا به او تزریق می کنند؛ این، نامطمئن است؛ این، تهاجم فرهنگی است؛ همان کاری که با ملت ایران در طول سالهای متمادی کردند. از سیاستمدارانی که وابسته بودند، از آنهايي که با قراردادهای مالی دهن شان را می بستند، هیچ توقعی نیست؛ اما از شخصیتهای علمی و فرهنگی در آن دوران این انتظار و توقع بود که اگر دارای هر عقیده یی هستند، ولو اسلام را هم قبول ندارند و ایمان اسلامی هم ندارند، برای هویت فرهنگی این ملت ارج قائل شوند؛ اما ارجی قائل نشدند؛ دروازه ها را باز کردند و چشمها را بستند و مجذوب و خیره شدند و ما را عقب انداختند. به خاطر همین، ما در میدان علم و فناوری عقب ماندیم. این که در عرف دوره ی جوانی من - که حالا خوشبختانه آن طور نیست و خیلی فرق کرده - واقعاً هر کالایی به صرف خارجی بودن، مطلوب بود و به صرف داخلی بودن نامطلوب، فرهنگ عمومی آن



زمانها بود و در داخل کشور هم جرأت و گستاخی کار علمی و تحقیقی و باز کردن بن بستها و شکستن مرزهای دانش اصلاً قابل تصور نبود و کسانی که در خودشان چنین استعدادی می دیدند، به هیچ راهی جز این که در محیطهای خارج از کشور کار کنند، فکر نمی کردند. این که ما خودمان بسازیم، خودمان تولید کنیم و خودمان ابتکار، اصلاً متصور نبود. بنده از اطلاعات و گزارشهای گوناگونی که در اختیارم قرار گرفته، نمونه های عینی خیلی فراوانی را سراغ دارم که شاید بعضی از شماها هم این موارد را بدانید. اما امروز نه، امروز خوشبختانه این حالت دلبری و خوداتکایی و شجاعت وارد شدن در میدانهای گوناگون هست. این فرهنگ را انقلاب عوض کرد. مقوله ی فرهنگ این است. این یک مثال و یک مصداق بود.

حالا این فرهنگ در دست شما کارکنان صدا و سیماست؛ از مدیران گرفته تا کارکنان گوناگون در بخشهای فنی، پشتیبانیهای گوناگون، تحقیقات، هنری، تولید برنامه و برنامه سازیهای مختلف و در بخشهای سیاسی و خبری. در همه ی بخشها شما هستید که می توانید عطر خوش فرهنگ صحیح را در فضای جامعه پیراکنید و هیچ کس هم نمی تواند در مقابل این گسترش فرهنگی که شما ایجاد می کنید، مقاومت کند. امروز مهمترین ابزار جنگ بین قدرتها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرتهای بزرگ هم با رسانه ها دارند کار می کنند. امروز تأثیر رسانه ها و تلویزیونها و هنرها و این شبکه های عظیم اطلاع رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است. روزه روز هم دارند این میدان را گسترش می دهند. من در آن جلسه به مدیران عرض می کردم که امروز آرایش رسانه یی و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است. صدا و سیما یک تنه در مقابل این آرایش عظیم ایستاده و الحمدالله از عهده هم تا حالا برآمده است و من هم می خواهم به شما بگویم که تا حالا از عهده برآمده اید. شما ببینید برای این رادیوها و تلویزیونها و این شبکه های اطلاع رسانی که هدفشان کشور ماست، چقدر سرمایه گذاری شده است. آنها چند برابر سرمایه گذاری یی که ما برای صدا و سیما خودمان می کنیم، سرمایه گذاری کرده اند. اگر آن طور که آنها پیش خودشان محاسبه کرده بودند پیش می رفت، امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد؛ چون فعالیت آنها مربوط به امروز و دیروز که نیست، بلکه آنها از روز اول پیروزی انقلاب کارشان شروع شد و بیست و پنج سال است که روزه روز دارند کار خود را توسعه می دهند و شدت می بخشند. الحمدالله رسانه ی ملی ما به خودش پرداخته و واقعاً خودش را متناسب با حضور در این میدان، تا آن جایی که می توانسته، حاضریراق و آماده کرده و وارد میدان شده است؛ شما می توانید.

من به شما عرض کنم که جهتگیری اساسی صدا و سیما باید درست نقطه ی مقابل همان جهت گیری یی باشد که آنها دارند. آنها می خواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزشها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویت ملی برگردانند. شما باید درست نقطه ی مقابل این کار را مورد اهتمام خودتان قرار دهید. آنها می خواهند وحدت ملی را از بین ببرند؛ آنها می خواهند اتکا به نفس جوانان را از بین ببرند؛ آنها می خواهند افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم آلود جلوه بدهند؛ آنها می خواهند حتی مدیران ارشد سیاسی کشور را از اقدام شجاعانه در مسائل گوناگون منصرف کنند و آنها را بترسانند - از مهمترین ابزارهای استکبار؛ همین قدرتها و سلطه های جهانی، ترساندن است. از قدیم هم همین طور بوده است. این نامه هایی که «فان الحرب اولها کلام» در آغاز جنگها شنیده اید و دیده اید که پادشاهان برای رقبای سیاسی خودشان به کشورهای مختلف می فرستادند، پُر از تهدید و پُر از به رخ کشیدن قدرت خود بود. اینها برای این بود که تهدید؛ تهدیدی که منجر بشود به ترسیدن طرف مقابل، نقش مهمی را در پیروزی ایفا می کند، که امروز هم سرمایه گذاری مهمی برای این کار می شود - تا جرأت اقدام را از اینها بگیرند و این مدیران را نگران وضعیت آینده کنند؛ آنها همچنین جوانان را یک طور، آحاد مردم را یک طور، مدیران را یک طور، سیاستمداران را یک طور و مبتکران و فعالان علمی را یک طور در تیررس رسانه های معارض



خود با جمهوری اسلامی قرار می دهند. شما باید درست نقطه ی مقابل آنها حرکت کنید.

برنامه ریزی در صدا و سیما باید با جهتگیری به سمت وحدت ملی، ایجاد امید، نشان دادن افقهای روشنی که در پیش روی ملت ماست، شجاعت دادن به مجموعه ی مبتکر و محقق و فنان کشور، شجاعت دادن به اداره کنندگان و مسؤولان و تصمیم گیران کشور در زمینه های مختلف، ترغیب مردم به حضور در صحنه - که حلال همه ی مشکلات حضور و اراده ی مردمی و تصمیم مردمی است - باشد. البته جانمایی ی همه ی اینها هم ایمان قلبی و دینی است. اگر کسی دین را برای ارزش والای معنوی ذاتی خودش هم قبول نداشته باشد و نشناخته باشد، می تواند به دین به عنوان دارویی که می تواند مهمترین مشکلات اجتماعی یک ملت را علاج کند، تکیه کند. این را فقط ما که جمهوری اسلامی هستیم، نمی گوئیم و فقط هم برای کشور ما نیست، بلکه امروز متفکران و نخبگان سیاسی و فکری دنیا هم به همین فکرها افتاده اند. آنها خلأ دین را، بخصوص در برخی از کشورهای اروپایی، که فاصله ی آنها با دینداری و ایمان دینی خیلی زیاد شده، احساس می کنند و نسبت به این خلأ هشدار می دهند. ایمان خیلی چیز باارزش و خیلی عنصر مهمی است برای سامان دادن و سر و صورت دادن به حرکتها و جلوگیری از زیاده کاریها و زیاده رویها و تخلفها و آشفتگیها در مسائل گوناگون زندگی، و واقعاً این کار، برای صدا و سیما یک هدف عمده است، که امیدواریم همه بتوانند آن را انجام دهند.

من روی دو نکته، بخصوص می خواهم تکیه کنم: تحقیق و هنر.

کار تحقیقی خیلی مهم است. کاری که از روی تحقیق و عالمانه باشد، حتی برای مردم عامی که عالم هم نیستند، ارزش و جاذبه ی بیشتری دارد. البته کار عالمانه به معنای قلبه سلنبه گویی نیست، بلکه کار عالمانه، یعنی کار متقن و صحیح؛ ولو این که با زبان همه کس فهم و مردمی گفته شود. همچنان که شنیده اید، در همه ی زمینه های تحقیقات علمی، بودجه های کلانی در برخی از کشورهای پیشرفته گذاشته می شود. تحقیق در زمینه های مفاهیم فرهنگی و مسائل گوناگونی که رسانه ی ملی با آنها سروکار دارد، از جمله کارهای بسیار مهم است. و اما هنر، که من راجع به هنر واقعاً هرچه بگویم، کم گفته ام. من بارها هم گفته ام که به هنر باید اهمیت داد و بایستی آن را روزبه روز اعتلا بخشید و باید شکل فاخر هنر را انتخاب کرد. بدون هنر، حرف عادی جای خودش را حتی در ذهن کسی پیدا نمی کند، چه برسد به این که جذابیت داشته باشد و جایگیر و ماندگار شود. هنر مهمترین وسیله است برای گسترش یک فکر درست یا نادرست. هنر، وسیله، ابزار و رسانه است؛ رسانه یی بسیار مهم. از هنر و از اعتلای آن نباید غفلت کرد و آن را مساوی با گناه و غلط و این مقولات نباید دانست. هنر جزو برجسته ترین مخلوقات الهی است و جزو ارزشمندترین صنوع پروردگار است، که باید آن را ارج گذاشت. در همه ی کارها، حتی در یک تبلیغات معمولی، باید هنر را به کار برد. اگر از ابزار هنر در کارهای علمی و القائات فکری و علمی که از صدا و سیما پخش می شود، استفاده شود، ماندگاری و جاذبه ی آن کارها مضاعف خواهد شد. در همه ی بخشها بر روی تحقیقات و بر روی هنر خیلی بایستی تکیه کرد.

به هرحال امیدواریم که خداوند متعال به شماها، ما و به مدیران محترم و عزیز صدا و سیما توفیق دهد. از یکایک شما مسؤولان و کارکنان بخشهای مختلف صمیمانه تشکر می کنم. من از همه، چه بخشهایی که آقای لاریجانی ذکر کردند و چه بعضی از بخشهایی که در بیانات ایشان نیامد، صمیمانه متشکرم. امیدوارم روزبه روز پیشرفت، تکامل، گسترش و امتداد و عمق کار شما بیشتر شود.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته